



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 34
Spring 2024

Article Type: Research Article

Pages: 149-169

A Comparative Study of the Death Penalty in Islamic Countries' Laws

Hossein Javan Arasteh¹ | Mohammad Mahdifar²

1. Assistant Professor at Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran (Responsible Author)
hoarasteh@gmail.com

2. Ph.D. Candidate in Public Law, University of Tehran, Farabi school, Iran
mohammadmahdifar@ut.ac.ir

Abstract

Investigating the death penalty as one of the examples of depriving the right to life has always been one of the most important concerns of human rights. On this basis, examining it in the constitutions and criminal laws of Islamic countries, both in itself and with regard to the type and degree of influence of these countries from the customary approaches of human rights or Islamic standards, is one of the requirements of human rights studies. This article seeks to answer the key question of what approach Islamic countries have taken into consideration regarding the "death penalty". This research is based on the descriptive-analytical method and is organized based on library and document studies. The findings of the article show that the level of concern for rights and freedoms and the type of encounter with them among Islamic countries has a direct relation with the relationship between religion and the government; However, the duality of custom and Sharia in the category of right to life in the constitution and the penal code of Islamic countries has had different reflections. Regarding the death penalty, extreme approaches (maximum permitting) on the one hand, and excessive approaches (maximum prohibiting) on the other hand, have lined up against each other; The dominant model accepted in Islamic countries, in this regard, is in line with the system of customary and secular human rights and is influenced by the approach of the divergence of religion and the government. However, with the strengthening of the convergence of religion and government in some Islamic countries, serious resistance regarding adherence to religious texts can be predicted.

Keywords: Human Rights, Constitutional Laws, Right to Life, Death Penalty, Islamic Countries.

Received: 2023/02/28 Received in revised form: 2023/10/27 Accepted: 2023/12/18 Published: 2024/03/30

DOI: 10.22034/LAW.2023.55627.3248

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com

مطالعه تطبیقی مجازات اعدام در قوانین کشورهای اسلامی

حسین جوان آراسته^۱ | محمد مهدی فر^۲

hoarasteh@gmail.com

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadmahdifar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران دانشکده‌گان فارابی، ایران

چکیده

بررسی مجازات اعدام به‌عنوان یکی از مصادیق سلب‌کننده حق حیات، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوق بشری بوده است. بر همین اساس، بررسی آن در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی هم‌فی‌نفسه و هم با عنایت به نوع و میزان تأثیرپذیری این کشورها از رویکردهای عرفی حقوق بشری یا موازین اسلامی از بایسته‌های مطالعات حقوق بشری است. این مقاله به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش کلیدی است که کشورهای اسلامی در خصوص «مجازات اعدام» چه رویکردی را مورد توجه قرار داده‌اند. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی سامان یافته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که میزان اهتمام به حقوق و آزادی‌ها و نوع مواجهه با آنها در میان کشورهای اسلامی، نسبت مستقیمی با رابطه دین و دولت دارد؛ هرچند دوگانه عرف و شرع در مقوله حق بر حیات در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی بازتاب‌های متفاوتی داشته است. در خصوص مجازات اعدام، درحالی که رویکردهای افراطی (تجویز حداکثری) از یک سو و رویکردهای تفریطی (ممنوعیت حداکثری) از سوی دیگر در برابر هم صفا‌آرایی کرده‌اند، الگوی غالب پذیرفته‌شده در کشورهای اسلامی در این باره، همسو با نظام حقوق بشر عرفی و سکولار و متأثر از رویکرد واگرایی دین و دولت است؛ هرچند با قدرت گرفتن هم‌گرایی دین و دولت در برخی کشورهای اسلامی، مقاومت‌های جدی در خصوص پایبندی به نصوص دینی قابل پیش‌بینی است.

واژگان کلیدی: اعدام، حق بر حیات، حقوق بشر، قوانین اساسی، کشورهای اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

DOI: 10.22034/LAW.2023.55627.3248

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

موارد سالب حق حیات که در صدر فهرست حق‌های بنیادین بشر قرار دارد، عبارت‌اند از مجازات اعدام، اسقاط جنین، خودکشی، اوتانازی یا به‌مرگی، مرگ‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه، نسل‌کشی و... . نگارندگان مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با تمرکز بر مجازات اعدام، قوانین اساسی کشورهای اسلامی و در پاره‌ای موارد قانون مجازات این کشورها را با هدف نوع تأثیرپذیری این کشورها از رویکردهای عرفی حقوق بشری یا موازین اسلامی بررسی کرده‌اند. به دلیل محدودیت‌های موجود، از میان کشورهای اسلامی، ۲۵ کشور (تقریباً نیمی از آنها) که از اهمیت بیشتری (به دلیل یک یا چند مؤلفه وسعت، جمعیت، موقعیت، ثروت، قدرت سیاسی یا نظامی، منطقه جغرافیایی) برخوردار بوده‌اند از سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا گزینش شده‌اند.^۱ جدول زیر که برگرفته از تارنمای سازمان همکاری اسلامی است، ۱۰ کشور اسلامی را به ترتیب وسعت نشان می‌دهد.

ترتیب	کشور	مساحت به کیلومتر	ملاحظه
۱	قزاقستان	۲/۷۱۷/۳۰۰	پهناورترین کشور در جهان اسلام
۲	الجزایر	۲/۳۸۱/۷۴۱	پهناورترین کشور عربی و آفریقایی
۳	عربستان سعودی	۲/۱۴۹/۶۹۰	پهناورترین کشور خاورمیانه
۴	اندونزی	۱/۹۱۹/۴۴۰	
۵	سودان	۱/۸۶۵/۸۱۳	
۷	ایران	۱/۶۴۸/۱۹۵	دومین کشور بزرگ خاورمیانه
۱۵	پاکستان	۸۸۱/۹۱۳	
۱۷	ترکیه	۷۸۰/۵۸۰	
۲۵	عراق	۴۳۷/۰۷۲	
۲۶	مالزی	۳۲۹/۷۵۰	

۱. این کشورها عبارت‌اند از: آذربایجان، آلبانی، اردن، ازبکستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، تونس، سوریه، سودان، عراق، عربستان، عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مالزی، مراکش، مصر و نیجریه.

کشور لیبی با آنکه مطابق جدول سازمان همکاری اسلامی، با مساحت ۱/۷۵۹/۵۴۰ به لحاظ وسعت ششمین کشور در جهان اسلام است، اما با توجه به جنگ داخلی این کشور و وضعیت نامعلوم آن، در این بررسی لحاظ نشده است؛ در حالی که کشورهای پاکستان، ترکیه، عراق و مالزی، هرچند مساحتی کمتر از موریتانی دارند، به دلیل موقعیت و اهمیت آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

میزان اهتمام به تضمین حقوق و آزادی‌ها و نحوه مواجهه کلی با آنها از این جهت قابل تأمل است که کشورهای اسلامی در خصوص رابطه دین و دولت به دو گروه کشورهای سکولار و غیرسکولار تقسیم می‌شوند. در گروه دوم، هم‌گرایی دین و دولت در کشورها تابع الگوهای یکسانی نیست و بسته به میزان تعهد دولت‌ها به آموزه‌های دینی، شدت و ضعف دارد. در اغلب کشورهای اسلامی از آنجا که اسلام به‌عنوان دین رسمی پذیرفته شده، دست‌کم هم‌گرایی دین با حوزه‌هایی از حکومت همچون قانون‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است. در میان کشورهای اسلامی، چهار کشور ایران، الجزایر، عربستان سعودی و پاکستان، به شکل متمایزی رابطه دین و دولت را در قانون اساسی خود، بازتاب داده‌اند. قانون اساسی تونس نیز در تازه‌ترین بازنگری خود در سال ۲۰۲۲ در فصل پنجم، تونس را بخشی از امت اسلامی دانسته و دولت را موظف کرده است که در راستای تحقق اهداف اسلام در صیانت از جان و آبرو و مال و دین و آزادی، عمل کند. در نقطه مقابل، کشورهای آذربایجان، آلبانی، ازبکستان، ترکیه، لبنان و نیجریه، بر واگرایی دین و دولت تأکید دارند. برای مثال، مطابق بند نخست اصل هفتم قانون اساسی آذربایجان، «حکومت آذربایجان، جمهوری یکپارچه، غیردینی، قانونی و دموکراتیک است». بند اول اصل هجدهم همین قانون نیز تصریح می‌کند که دین از دولت جداست.

در مقوله حقوق بشر در کشورهای اسلامی کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب «حقوق اساسی تطبیقی (حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی)» از عباسعلی عمید زنجانی، کتاب «کشورهای اسلامی و حقوق بشر: چالش‌های حقوق بشر در جهان اسلام» از محمدحسین مظفری، کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی» از اسماعیل آجرلو، کتاب «حقوق اساسی

کشورهای اسلامی» از ابراهیم موسی‌زاده، کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی مالزی، مصر و عراق» از هدی غفاری، کتاب «شریعت و تقنین در کشورهای اسلامی ایران، عربستان و پاکستان» از سید ابراهیم حسینی، کتاب «سیستم‌های حقوقی کشورهای اسلامی» از محمدرضا ظفری، مقاله «بررسی و جایگاه حقوق بشر در جهان اسلام» از حمیدرضا کریمی، مقاله «حق حیات انسان در اسلام» از سید باقر محمدی، مقاله «حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی: جهان‌شمولی یا نسبی‌گرایی» از علی‌محمد فلاح‌زاده و سید طه موسوی، مقاله «حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» از امیر ساجدی، مقاله «تحلیل معیارهای تحدید آزادی در دو نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی» از حسین جوان آراسته و برخی مقالات دیگر. وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین، تمرکز بر رویکرد قوانین اساسی کشورهای اسلامی به مجازات اعدام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق سلب‌کننده حق بر حیات و واکاوی این امر است که این کشورها در این مقوله چه رویکردی را معیار قرار داده‌اند. درحالی که تحقیقات پیشین همان‌گونه که از عناوین آنها پیداست، به صورت کلی حقوق اساسی کشورهای اسلامی را با یکدیگر یا با حقوق کشورهای غیر اسلامی بررسی کرده و یا به مقایسه حقوق بشر اسلامی و عرفی در وجه عام آن پرداخته‌اند، محتوای مقاله حاضر و نیز تفاوت در یافته‌ها و نتایج، به‌روشنی نشان‌دهنده بدیع بودن این پژوهش است.

مقاله ابتدا با نیم‌نگاهی به حق حیات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، موضع کلی کشورهای اسلامی نسبت به آن را گزارش می‌کند و سپس یکی از مهم‌ترین مصادیق سلب حیات را که «مجازات اعدام» است در دو ساحت اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای اسلامی (قوانین اساسی و قوانین کیفری) بررسی و از این رهگذر، موضع‌گیری کشورهای اسلامی در برابر مجازات اعدام را تحلیل می‌کند.

۱. حق حیات در اسناد بین‌المللی و کشورهای اسلامی

حق حیات بنیادی‌ترین حق انسانی است و دیگر حقوق پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر آن است. به‌موجب ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرکس حق دارد

از زندگی و آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد. اهمیت این حق تا آنجاست که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد. درحقیقت به تصریح بخش دوم ماده ۴ میثاق حقوق مدنی-سیاسی، حتی کشورها در موارد اضطراری هم نمی‌توانند به بهانه اینکه حیات و بقا و ملت در معرض تهدید است حق حیات افراد را نقض کنند. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی-سیاسی به تفصیل از حق حیات این‌گونه سخن می‌گوید: حق حیات در حالت‌های مختلفی ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد. پیش‌بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند می‌تواند به نوعی نقض حیات قربانی باشد. همچنین، عدم حمایت دولت از افراد و یا گروه‌های در معرض تهدید و یا بازگذاشتن دست گروه‌ها و افراد خاصی در تعرض به حیات دیگران، جلوه‌ای از نقض حق حیات است؛ بنابراین به تصریح میثاق حقوق مدنی-سیاسی، دولت‌ها مکلف هستند تمهیداتی را در جهت پاسداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند.^۲

عموم کشورهای اسلامی مانند آلبانی،^۳ ازبکستان،^۴ الجزایر،^۵ اندونزی،^۶ ایران،^۷ پاکستان،^۸ ترکیه،^۹ تونس،^{۱۰} سودان،^{۱۱} عراق،^{۱۲} عمان،^{۱۳} مالزی،^{۱۴} مراکش و نیجریه^{۱۵} به حق حیات به‌عنوان حق مسلم هر انسان که باید مورد حمایت قانون قرار گیرد، تصریح کرده‌اند.

۲. سید محمد قاری سیدفاطمی، «حق حیات»، تحقیقات حقوقی، ش ۳۱-۳۲ (۱۳۷۹)، صص ۱۵۰-۱۵۱.

۳. قانون اساسی آلبانی، اصل ۲۱.

۴. قانون اساسی ازبکستان، اصل ۲۴.

۵. قانون اساسی الجزایر، اصل ۳۸.

۶. قانون اساسی اندونزی، بند الف اصل ۲۸.

۷. قانون اساسی ایران، اصل ۲۲.

۸. قانون اساسی پاکستان، اصل ۹.

۹. قانون اساسی ترکیه، اصل ۱۵.

۱۰. قانون اساسی تونس، فصل ۲۲.

۱۱. قانون اساسی سودان، اصل ۴۴.

۱۲. قانون اساسی عراق، اصل ۱۵.

۱۳. قانون اساسی عمان، اصل ۱۸.

۱۴. قانون اساسی مالزی، اصل ۵.

۱۵. قانون اساسی مراکش، اصل ۲۰.

۱۶. قانون اساسی اصل نیجریه، اصل ۳۳.

حق بر حیات، مستلزم ایجاد محدودیت‌های جدی در مواردی است که این حق از انسان‌ها سلب می‌شود.

۲. ممنوعیت یا محدودیت مجازات اعدام

از جمله مصادیق مهم سلب حق بر حیات، مجازات اعدام است که در کنار برخی دیگر از موارد مانند اسقاط جنین، مرگ آسان، خودکشی و کشتار دسته‌جمعی حائز اهمیت است. رویکردهای مختلفی نسبت به اعدام از سوی کشورهای اسلامی اتخاذ شده است که در ادامه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت؛ پیش از آن لازم است به وضعیت این مجازات در اسناد بین‌المللی اشاره گردد تا در ادامه که رویکرد برخی کشورها همسو با نظام عرفی و بین‌المللی معرفی می‌شود، مقصود از آن روشن باشد.

۲.۱. در اسناد بین‌المللی

ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن آنکه حق حیات را از حقوق ذاتی شخص انسان دانسته، مقرراتی را در جهت اعمال محدودیت بر مجازات اعدام وضع کرده است تا حمایت بیشتری از این حق در برابر اقدامات دولت‌ها به عمل آورد. در بند نخست ماده ۶ میثاق، محروم نمودن خودسرانه (بدون مجوز) انسان از حق حیات و نیز در بند ۲ همین ماده، صدور حکم اعدام جز در مورد مهم‌ترین جنایات و به موجب حکم قطعی صادر از سوی دادگاه صالح، ممنوع شده است. بند ۵ ماده پیش‌گفته نیز صدور و اجرای حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال و زنان باردار را به‌طور کلی ممنوع اعلام کرده است.

در همین راستا، نظریه تفسیری شماره ۳۶ کمیته حقوق بشر مصوب ۳۰۱۸ به شرح و تفسیر ماده ۶ میثاق پرداخته است؛ ماده ۵۰ این نظریه تفسیری تصریح می‌کند که مجازات اعدام با احترام کامل به حق زندگی قابل تطبیق نیست و لغو آن، هم مطلوب است و هم برای ارتقای کرامت انسانی و توسعه مترقی حقوق بشر ضروری است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز هشتمین قطعنامه برای توقف مجازات اعدام را در روز ۱۶ دسامبر سال ۲۰۲۰ با ۱۲۳ رأی موافق تصویب کرد.

^۱General Comment Number 36 on Article 6, 2018.

این مقاله در صدد بررسی و تحلیل اسناد یادشده و نیز دلایل موافقان و مخالفان مجازات اعدام نیست. اختلاف نظرهای فلسفی، اخلاقی، مذهبی و حقوقی در این زمینه فراوان و دامنه آن از گذشته تا به حال کشیده شده است. در مغرب زمین نیز صاحب‌نظرانی که با رویکرد اخلاقی به موضوع نظر داشته‌اند، در مورد این مجازات اختلاف دارند. این اختلافات را می‌توان در کتاب مباحث جاری اخلاق کاربردی اثر کوهن و ولمن^۸ مشاهده کرد. به لحاظ عملی نیز رویکرد کشورها متفاوت بوده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا لغو چنین مجازاتی از نظام کیفری خود پیش رفته‌اند؛ در حالی که کشورهای بزرگی چون آمریکا، چین و طیف گسترده‌ای از کشورهای اسلامی همچنان بر ابقای این مجازات پافشاری دارند، ضمن آنکه آموزه‌های مذهبی مجازات مرگ را در خصوص برخی جرایم، کاملاً انسانی و اخلاقی می‌دانند.

۲.۲. موضع سازمان همکاری اسلامی

در خصوص موضوعات حقوق بشری، از جمله اعدام، سازمان همکاری اسلامی شاهد تحول قابل توجهی بوده است. به موجب بند «الف» ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر معروف به اعلامیه قاهره که در سال ۱۹۹۱ مورد پذیرش سازمان همکاری کشورهای اسلامی قرار گرفت، کشتن هیچ انسانی بدون مجوز شرعی جایز نیست. مفاد این ماده به روشنی دلالت دارد که در شرع مقدس، تجویز قتل در مواردی صورت گرفته است و فراتر از آن مجاز نیست. به موجب مواد ۲۴ و ۲۵ همین اعلامیه، تنها مرجع صالح برای تفسیر حقوق مندرج در این سند، شریعت اسلام است.

در ۲۸ نوامبر سال ۲۰۲۰، «اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (اعلامیه جدید)» به تصویب رسید و عنوان اعلامیه اسلامی حقوق بشر به اعلامیه حقوق بشر سازمان تغییر یافت. در مقدمه سند جدید بر ضرورت پایبندی کشورهای اسلامی بر تعهدات بین‌المللی حقوق بشری تأکید شده و حق‌های بشر، جهانی و غیرقابل تفکیک توصیف شده است. مطابق ماده ۲ اعلامیه جدید- که به گونه‌ای الگوبرداری از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل الحاقی آن است- محرومیت‌های خودسرانه از حق حیات منع شده (بند الف) و مجازات اعدام نیز جز در جرایم بسیار مهم و مطابق با قانون لازم‌الاجرا

^۸Andrewi' cohen and Christopherheath' wellman.

هنگام ارتکاب جرم و با رأی دادگاه صالح، تجویز نشده است (بند ب)؛ ضمن آن، صدور حکم اعدام نسبت به نابالغان و اجرای این حکم نسبت به زنان باردار و شیرده منع شده است (بند د). با اندک تأملی میزان تأثیرپذیری ماده ۲ اعلامیه جدید از ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی روشن می‌شود.

افزون بر آن، به موجب ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (جدید)، جایز نیست هیچ‌یک از مواد منصوص در این اعلامیه به گونه‌ای تفسیر شوند که حقوق و آزادی‌هایی را که قوانین ملی برای دولت‌های عضو در نظر گرفته‌اند، نقض کنند یا ناقض التزامات دولت‌های عضو نسبت به معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به حقوق بشر باشند. مقایسه میان این ماده و مواد ۲۴ و ۲۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای را با هدف همسویی و انطباق هرچه بیشتر با اسناد بین‌المللی حقوق بشری نشان می‌دهد.

۲.۳. مجازات اعدام در کشورهای اسلامی

قطع نظر از رویکرد سازمان همکاری اسلامی و تفاوت‌های دو اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی، اکنون به نوع مواجهه کشورهای اسلامی به مجازات اعدام نیم‌نگاهی می‌اندازیم تا روشن شود که در میانه اسناد بین‌المللی حقوق بشر و دو اعلامیه سازمان همکاری اسلامی، این کشورها به چه سمت و سویی متمایل شده‌اند.

بسیاری از کشورهای اسلامی ضمن تأکید بر صیانت از حق حیات، در قانون اساسی خود، سلب این حق را در مواردی به رسمیت شناخته‌اند. برای نمونه می‌توان از جمهوری اسلامی ایران؛ الجزایر؛ پاکستان؛ تونس؛ عراق؛ نیجریه و سودان نام برد. قانون

۱۹. قانون اساسی ایران، اصل ۲۲.

۲۰. قانون اساسی الجزایر، اصل ۳۸.

۲۱. قانون اساسی پاکستان، اصل نهم از فصل اول از بخش دوم.

۲۲. قانون اساسی تونس، فصل ۲۴.

۲۳. قانون اساسی عراق، اصل ۱۵.

۲۴. قانون اساسی نیجریه، اصل ۲۳.

۲۵. قانون اساسی سودان، اصل ۵۴.

اساسی سوریه هرچند در این مورد ساکت است، اما قانون مجازات این کشور در ماده ۳۷ مجازات اعدام را برای برخی جرایم در نظر گرفته است. اردن نیز در ماده ۱۴ قانون مجازات خود، اعدام را به رسمیت شناخته است. برخی کشورهای اسلامی مانند جمهوری آذربایجان، افزون بر موارد مصرح در قانون، حق حیات را در مورد کشتار سربازان دشمن، جنایات سنگین علیه حکومت و یا جان و سلامت افراد نیز استثنا کرده‌اند.^{۲۶} مطابق بند اول اصل ۳۳ قانون اساسی نیجریه، هیچ کس را نمی‌توان عمداً از زندگی خود محروم کرد، مگر در اجرای حکم دادگاه در خصوص یک جرم جنایی که در نیجریه مجرم شناخته شده است. در سال ۲۰۰۰، قطر و مالزی دوباره مجازات اعدام را در نظام کیفری خود قرار دادند.

قانون اساسی سودان در این خصوص، منحصر به فرد است. مطابق اصل ۵۴ قانون اساسی این کشور، محدودیت‌های مجازات اعدام در موارد زیر مشخص شده است:

- اعمال مجازات اعدام جایز نیست، مگر در مورد قصاص یا حد شرعی یا به‌عنوان کیفر جرایم بسیار جدی به‌موجب قانون؛
- اعمال مجازات اعدام بر کسی که سن او هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال باشد، جایز نیست؛
- اعمال مجازات اعدام در غیر جرایم مربوط به قصاص و حدود، بر کسی که سن او بالغ بر ۷۰ سال است، جایز نیست؛
- اجرای مجازات اعدام برای زنان باردار و شیرده، مگر پس از سپری شدن دو سال از شیردهی، جایز نیست.

مقایسه میان مفاد یادشده از یک‌طرف و قوانین کیفری اسلام و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از طرف دیگر، الگوبرداری سودان از موازین اسلامی را در موضوع مجازات اعدام به‌خوبی نشان می‌دهد. باید اضافه نمود که جمهوری اسلامی ایران نیز در این مورد و البته همراه با ذکر برخی قیدها، استثنای مشابهی را شناسایی کرده است. توضیح آنکه قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مقرر داشته است که در جرایم موجب

۲۶. قانون اساسی آذربایجان، اصل ۲۶.

حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. در راستای تفاوت‌گذاری یادشده برای مرتکبان بالغ کمتر از هجده سال، بهتر است بگوییم که این ماده، شبهه در کمال عقل و عدم درک ماهیت و حرمت رفتار را مفروض دانسته است؛ زیرا در غیر این صورت، یعنی اگر قائل به این باشیم که این موارد نیاز به اثبات دارند، دیگر امتیازی برای این افراد قائل نشده‌ایم؛ چراکه چه بسا بزرگسالان نیز بتوانند در صورت اثبات این موارد از مسئولیت رها گردند.^{۲۷} در صورت احراز شرایط ماده و وجود شبهه در هریک از موارد رشد عقلی یا درک حرمت و ماهیت عمل، دادگاه می‌تواند هریک از اقدامات مواد ۸۸ و ۸۹ را برای متهم تعیین نماید.^{۲۸} به نظر می‌رسد ماده ۹۱ بر اساس فتوای فقهای متأخر نگارش یافته است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

به نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، هرگاه جوانب مختلف مسئله از جمله نظر کارشناس معتمد در نظر گرفته شود و در مجموع از جهت عدم رشد کافی نسبت به این جرایم شبهه وجود داشته باشد، تبدیل مجازات این گروه سنی به مجازات تعزیری مانعی ندارد. ایشان همچنین در خصوص سن مسئولیت کیفری این‌گونه فتوا داده‌اند که سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله‌ها آمده، منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم‌سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد، حدود و قصاص مشمول قاعده درء است. آیت‌الله نوری همدانی نیز ناظر به این ماده این‌گونه نظر داده است که در صورتی که اشخاص گروه سنی یادشده از لحاظ درک و رشد عقلانی در سطح پایین‌تری از افراد متعارف قرار داشته باشند، قاضی

۲۷. برای نمونه، ر.ک. حسین میرمحمدصادقی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: دادگستر، ۱۴۰۰)؛ سید محمدحسن مرعشی، و همکاران، «بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضائی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، حقوقی دادگستری، ش ۴ (۱۳۸۲)، ص ۷.

۲۸. برای نمونه، ر.ک. امین فلاح خاریکی، و حسن حاجی‌تبار فیروزجانی، «جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۷۱ (۱۴۰۲)، صص ۱۴۴ و ۱۶۱؛ محمد مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، (تهران: جنگل، ۱۳۹۲).

می‌تواند و بلکه لازم است از اجرای مجازات حد و قصاص درباره آنان صرف‌نظر کند و مجازات دیگری نسبت به آن معمول دارد، ولی بر این اساس، معیار همان پایین بودن از سطح متعارف است و نه سن و سال مخصوص آن.^{۲۹} اتخاذ چنین رویکردی هرچند یک رویکرد تسهیل‌گر و ارفاقی تلقی می‌گردد، اما به این معنا نیست که خالی از برخی دشواری‌ها قلمداد شود. توضیح آنکه به اعتقاد برخی حقوق‌دانان، اختیار قضایی تفسیر رشد نوجوانان در ماده ۹۱، گونه‌ای از اعطای حیات قضایی به سیاست جنایی تقنینی قلمداد می‌شود؛ عملکردی که ممکن است در رویکرد قضایی با چالش‌های عمده‌ای مواجه شود، چراکه شبهه در رشد یافتن یا نیافتن نوجوانان به‌عنوان شرط مسئولیت کیفری آنها در رویه قضایی با چالش‌هایی روبه‌رو است و پرداختن به راه‌حل‌های مرتبط نیز ضرورت تبیین سقوط مجازات مستوجب حد و قصاص از یک سو و تشریفات دادرسی شکلی از سوی دیگر را در آن ایجاب می‌کند.

علاوه بر استثنای یادشده، نکته حائز اهمیت دیگر، جنبه ارفاقی بیشتر اسلام در خصوص زنان باردار و شیرده است، زیرا درحالی که محدودیت زمانی اعدام برای زنان باردار از نظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تا زمان وضع حمل است، از نظر اسلام این محدودیت تا زمانی است که زندگی فرزند وابسته به مادر باشد؛ چنان‌که به‌موجب آیه شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»^{۳۰} مادران، فرزندان را دو سال تمام شیر می‌دهند. از نظر احکام کیفری اسلام نه‌تنها اعدام بلکه اجرای هیچ حدی از حدود الهی بر زن حامله تا زمانی که جنین متولد نشده است، جایز نیست، اعم از اینکه زن حامله قاتل یا مستحق حد زنا یا شرب خمر و یا سایر حدود الهی و یا مشمول تعزیرات باشد، و اعم از اینکه بارداری او مشروع یا نامشروع باشد. این امر مورد اتفاق فقها است^{۳۱} و مستند آن، وجود روایات از جمله این روایت است: مطابق نقل شیخ مفید در کتاب الارشاد از طریق

۲۹. عباس زراعت، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، (تهران: ققنوس، ۱۳۹۲)، ص ۱۷۳.

۳۰. علی حسین نجفی ابرنآبادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ص ۵۵.

۳۱. سوره بقره: ۲۳۳

۳۲. زین‌الدین بن علی عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، ۱۳۸۱)، ص ۲۵۲.

شیعه و اهل سنت، زن حامله‌ای را نزد خلیفه دوم آوردند که مرتکب زنا شده بود، خلیفه فرمان به رجم او داد، علی علیه‌السلام فرمود: از اجرای این حکم دست نگه‌دار، مادر مجرم است، ولی جنینی که در شکم دارد بی‌گناه است (هَبْ لَكَ سَبِيلُ عَلِيَّهَا، اَيُّ سَبِيلٍ لَكَ عَلَيَّ مَا فِي بَطْنِهَا؟)، پروردگار می‌فرماید: هیچ‌کس گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد. عمر با شنیدن این سخن گفت: هیچ مشکلی نیست، مگر اینکه ابوالحسن آن را رفع می‌نماید، سپس پرسید در این قضیه چه باید کرد؟ علی علیه‌السلام فرمود: اجرای حکم را به تأخیر بینداز تا جنین متولد شود و پس از تولد و بعد از آنکه فردی کفالت فرزندش را متعهد گردید، بر او اجرای حد^{۳۳} این دیدگاه فقهی در ماده ۴۳۷ قانون مجازات اسلامی به این صورت منعکس شده است: «زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد».

همسویی برخی کشورهای اسلامی با رویکردهای بین‌المللی در خصوص مجازات اعدام بیشتر قابل مشاهده است. به موجب اصل ۱۵ قانون اساسی ترکیه «در شرایط جنگ، بسیج عمومی، حکومت نظامی و حالت فوق‌العاده، با رعایت تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل می‌توان حقوق و آزادی‌های اشخاص را کلاً یا جزئاً متوقف ساخت. این توقف و تحدید شامل حق حیات، موجودیت مادی و معنوی نمی‌شود». به نظر می‌رسد الگوبرداری از قانون اساسی ترکیه در خصوص مجازات اعدام از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً روشن است، چراکه نه تنها در شرایط عادی و معمول، بلکه در شرایط استثنایی نیز اجرای مجازات اعدام را به نحو مطلق یعنی حتی با فرض وجود شرایط جواز آن از لحاظ شرعی در تمام شرایط عادی و استثنایی ممنوع اعلام کرده است؛ به‌ویژه آنکه این کشور هم‌زمان با تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، به دنبال همسان‌سازی قوانین داخلی خود با قوانین این اتحادیه است.

کشورهایی چون آلبانی و ازبکستان مجازات اعدام را برای همه جرایم لغو کرده‌اند. ماده ۵۴۹ قانون مجازات لبنان هرچند بر اجرای حکم اعدام در حق مرتکبان قتل عمد و اقدامات

۳۳. محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، (قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق)، ص ۲۰۴.

تروریستی تصریح دارد، اما بسیاری از احکام صادرشده به دلایل مختلف به مرحله اجرا نمی‌رسند. این امر با رویکرد قانون اساسی لبنان همسویی دارد، زیرا بند «ب» مقدمه این قانون تصریح می‌کند که «لبنان از اعضای بنیان‌گذار و فعال سازمان ملل متحد است و به کنوانسیون‌های آن و بیانیه جهانی حقوق بشر پایبند می‌باشد. دولت لبنان اصول یادشده را در کلیه زمینه‌ها و عرصه‌ها بدون هیچ استثنایی به مورد اجرا می‌گذارد». به نظر می‌رسد چنین رویکردی سبب عدم اجرای حکم اعدام در این کشور شده است، به‌ویژه آنکه قانون اساسی این کشور به واگرایی دین و دولت تمایل نشان داده است.

برخی کشورهای دیگر در رویکردی تقریباً هم‌گرا، نه با لغو مجازات اعدام، بلکه با ایجاد امکان جایگزین کردن با مجازات دیگر، به سمت کاستن از تعداد اعدام‌ها در کشور خود حرکت کرده‌اند. برای نمونه، اندونزی یکی از کشورهایی است که مجازات اعدام را در نظام حقوقی خود برای برخی جرایم مانند قتل، از ابتدای تشکیل جمهوری شناسایی کرده است. در سال ۲۰۰۷ نیز با اکثریت آرا اعضای دادگاه قانون اساسی، این کشور تعمیم آن را برای جرایم مواد مخدر، موافق قانون اساسی عنوان نمود و آن را به اجرا گذاشت.^{۳۴} علاوه بر این نیز فهرست نسبتاً پرشماری از جرایم را در قانون مجازات خود و برخی دیگر از قوانین مانند قوانین جرایم نظامی و یا اقتصادی مشمول مجازات اعدام دانسته است که از همکاری در بهره‌گیری از کودکان برای جرایم مواد مخدر^{۳۵} تلاش برای جنایت علیه بشریت را شامل می‌شود؛^{۳۶} با وجود این، قانون جزایی جدید ۲۰۲۳ اندونزی، امکان تغییر مجازات اعدام به حبس را فراهم ساخت. ماده ۱۰۰ این قانون قاضی را موظف کرده است که با توجه به پیشیمانی مجرم و نقش او در ارتکاب جرم، به مدت ۱۰ سال همراه با حکم اعدام، مهلت آزمایشی اعطا کند و پس از ۱۰ سال مجازات وی می‌تواند به حبس ابد تبدیل شود. همچنین اگر پس از گذشت ۱۰ سال از رد شدن پیشنهاد عفو مجرم از سوی رئیس‌جمهور، مجازات اعدام اجرا نشود، مجازات وی به حبس ابد تبدیل می‌گردد.^{۳۷}

^{۳۴}Decision Nnumber 2-3/PUU-V/2007, 30 October 2007. Available at:

<http://www.mahkamahkonstitusi.go.id>

^{۳۵}Law Nnumber 23/2002 on Children Protection

^{۳۶}Law Nnumber 26/2000 on Human Rights Courts

^{۳۷}Indonesia: New Criminal Code Passed by Parliament; Available at:

<https://www.loc.gov/item/global-legal-monitor/2022-12-11/indonesia-new-criminal-code->

رویکرد کاستن از میزان اجرای مجازات اعدام نیز یکی دیگر از جهت‌گیری‌هایی است که در میان برخی کشورهای اسلامی قابل شناسایی است. برای مثال، کشور مراکش با آنکه نظام حقوقی ناظر به کیفر اعدام را در قوانین جزای خود تغییر نداده و همچنان آن را به رسمیت می‌شناسد، اما با برخی اقدامات دیگر مانند تنظیم لوایح خاص، کاستن از تعداد این مجازات را هدف خود قرار داده است.^{۳۸} در همین راستا از کشور الجزایر نیز می‌توان نام برد که ضمن به رسمیت شناختن مجازات اعدام در قانون کیفری خود (ماده ۲۷)، آن را از سال ۱۹۹۳ تاکنون اجرا نکرده است و به این سبب نیز در کنار کشورهایمانند تونس، در عمل^{۳۹} جزء کشورهای الغاکننده اعدام به‌شمار می‌رود.^{۴۰}

جمهوری آذربایجان اما در نظام حقوقی خود رویکردی متفاوت‌تر اتخاذ کرده است؛ چراکه در بند ۳ اصل ۲۷، آن را این‌گونه به رسمیت شناخته است: «مجازات اعدام تا زمانی که به‌طور کامل لغو نشده باشد، ممکن است از سوی قانون به‌عنوان مجازات انحصاری فقط برای جنایات شدید علیه دولت یا علیه جان و سلامت یک انسان تعیین شود». همان‌گونه که از اصل نامبرده هویداست، قانون‌گذار اساسی ضمن به رسمیت شناختن آن، امکان لغو آن را نیز فراهم کرده است تا حکومت در شرایطی که آن را به مصلحت تشخیص می‌دهد، بتواند آن را ملغی نماید. به عبارت دیگر، زبان قانون اساسی در این اصل، پیش‌فرض انگاشتن ملغی شدن آن و یا به تعبیری تشویق برای آن است. در عمل نیز آذربایجان از دو سال پیش از تصویب قانون اساسی، یعنی سال ۱۹۹۳ مبادرت به اعدام نکرده است و در نهایت با ملحق شدن به پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۱، مجازات اعدام در این کشور لغو گردید و حبس ابد جایگزین آن شد.^{۴۱}

در میان کشورهای اسلامی، بحرین نیز رویکرد خاصی را در این مورد اتخاذ کرده است

passed-by-parliament

^{۳۸}Mustafa ramid, The Minister of Justice and Liberties. Available at:

<https://www.pjd.ma/media/47256.html>

^{۳۹}Abolitionist in Practice.

^{۴۰}The Death Penalty in the Middle East and North Africa, European Parliament, 04 December 2012, pp. 491-493.

^{۴۱}Council of Europe. Available at: <https://www.coe.int/en/web/portal/azerbaijan>.

که فارغ از نحوه عملکرد دستگاه قضا، نشان از اهمیت فوق‌العاده موضوع برای قانون‌گذار عادی آن دارد؛ زیرا اجرای حکم اعدام صرفاً ناشی از رأی قضات نیست و شرط اجرای آن، موافقت عالی‌ترین مقام حکومت است. ماده ۵۱ قانون مجازات بحرین، این‌گونه مقرر می‌دارد که هیچ حکم اعدامی به اجرا گذارده نمی‌شود، مگر اینکه امیر بحرین با آن موافقت نماید.

نتیجه

۱- گفتمان حقوق بشر در کشورهای اسلامی و نوع نگرش ایجابی یا سلبی به آن، تأثیر مستقیمی بر حقوق اساسی این کشورها در همه مقولات از جمله مقوله حق بر حیات و لوازم آن مانند «مجازات اعدام» داشته است.

۲- پیوند میان مفاهیم حقوق بشر عرفی و موازین شرعی و نوع مواجهه با آن از سوی کشورهای اسلامی، نسبت مستقیمی با رابطه دین و دولت دارد. دوگانه عرف و شرع در مقوله حق حیات در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی، بازتاب‌های متفاوتی داشته است. ایران، عربستان، پاکستان، سودان، الجزایر و در تازه‌ترین مورد کشور تونس، با الگوی هم‌گرایی دین و دولت، آثار مترتب بر آن را در قانون اساسی خود بازتاب داده‌اند.

۳- الگوبرداری و تأثیرپذیری کشورهای اسلامی در خصوص موارد سالب حق بر حیات و به‌ویژه اعدام، هرچند تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست هم‌گرایی یا واگرایی دین و دولت بوده، اما این تأثیرپذیری مطلق نبوده و تجویز یا عدم تجویز مجازات اعدام در این کشورها وابستگی تامی به آن نداشته است؛ به رسمیت شناختن مجازات اعدام در برخی کشورهای اسلامی سکولار مانند آذربایجان، نیجریه و مالزی شاهد روشنی بر این مدعا است.

۴- به نظر می‌رسد در خصوص مجازات اعدام درحالی که رویکردهای انبساطی و افراطی (تجویز حداکثری) از یک سو و رویکردهای انقباضی و تفریطی (ممنوعیت حداکثری) از سوی دیگر در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند، به‌طور کلی الگوبرداری‌های کشورهای اسلامی سکولار از رویکردهای عرفی به حقوق بشر، بیشتر و با تعبیری صریح‌تر از الگوبرداری‌های کشورهای اسلامی غیرسکولار است.

۵- مراحل سه‌گانه تدوین، توسعه و تحول حقوق بشر، همانند سایر کشورها در

کشورهای اسلامی نیز مشهود است؛ هرچند تحقق این فرایندها یکنواخت نبوده و نوعاً با دغدغه‌های اسلامی همراه بوده است. در مقایسه با میزان تأثیرگذاری اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر کشورهای اسلامی، تأثیرپذیری و الگوبرداری از اعلامیه اسلامی حقوق بشر، کم‌فروغ‌تر بوده و با توجه به رویکرد جدید سازمان همکاری اسلامی و تغییر نام اعلامیه اسلامی حقوق بشر به اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی و تغییر در مفاد برخی مواد آن، به احتمال زیاد، تغییر موضع کشورهای اسلامی با هدف هماهنگی بیشتر با اسناد بین‌المللی، بسیار محتمل است.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتابها

۱. زراعت، عباس (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). تهران: ققنوس.
۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. تهران: دادگستر.
۳. مصدق، محمد (۱۳۹۲). شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی. تهران: جنگل.
۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). دانشنامه علوم جنایی اقتصادی. تهران: نشر میزان.

- مقالات

۵. فلاح خاریکی، امین و حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۴۰۲). جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۹ (۷۱)، ۱۴۰-۱۶۵.
Doi: 10.22034/ijrz.2023.702563
۶. مرعشی، سید محمدحسن؛ میرمحمدصادقی، حسین؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ محمدی، قاسم (۱۳۸۲). بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضائی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان. حقوقی دادگستری، ۴ (۴۵)، ۷-۶۰.

- اعلامیه‌ها

۷. اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۹۹۱.
۸. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸.
۹. اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی، مصوب نوامبر ۲۰۲۰.

- قوانین

۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۷.

۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، ۲۰۱۵.

۱۲. قانون اساسی جمهوری ترکیه، ۱۹۸۲.

۱۳. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

(ب) منابع عربی**- الكتب**

۱۴. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۱). *مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.

۱۵. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله على العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.

- الإعلانات

۱۶. دستور الأردن، عام ۱۹۵۲.

۱۷. دستور الإمارات العربیة المتحدة، عام ۱۹۷۱.

۱۸. دستور لبنان، المعدل عام ۲۰۰۴.

۱۹. دستور الجمهوريه الجزائريه الديمقراطييه الشعبیة، عام ۲۰۲۰.

۲۰. دستور عمان، عام ۲۰۲۱.

۲۱. دستور المملكة العربيه السعودیة عام ۱۹۹۲.

۲۲. دستور تونس، عام ۲۰۲۲.

۲۳. دستور جمهوريه العراق، عام ۲۰۰۵.

۲۴. دستور دولة الكويت، عام ۱۹۶۲.

٢٥. دستور دولة قطر، عام ٢٠٠٤.

٢٦. دستور سوريا (الجمهورية العربية السورية)، عام ٢٠١٢.

٢٧. دستور مملكة البحرين، عام ٢٠٠٢.

– الإعلانات

٢٨. قانون العقوبات الاردني، مع التعديلات عام ٢٠٢٣.

٢٩. قانون العقوبات البحرينى، عام ١٩٧٦.

٣٠. قانون العقوبات الجزائرى، عام ١٩٦٠.

٣١. قانون العقوبات السورى عام ١٩٤٩ المعدل بـ المرسوم التشريعى ١ عام ٢٠١١.

٣٢. قانون العقوبات العراقى، عام ١٩٦٩.

٣٣. قانون العقوبات اللبناى، المعدل عام ١٩٨٣.

٣٤. قانون العقوبات المصرى، عام ١٩٣٧.

٣٥. ليبيا، الاعلان الدستورى عام ١٤٣٣/١٢/٢٠١٢.

٣٦. ميثاق بين الملى حقوق مدنى و سياسى، سال ١٩٧٦.

٣٧. ميثاق منظمة التعاون الاسلامى، عام ١٩٧٤.

٣٨. الوثيقة الدستورية السودانية، للفترة الانتقالية لسنة ٢٠١٩.

ج) منابع انگلیسی

- Laws & Declarations

39. Albania's Constitution of 29 April 1991.

40. Constitution of Azerbaijan (2009).

41. Constitution of the Republic of Uzbekistan (2017).

42. General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the Right to Life.

43. Indonesia's Constitution of 1945, Reinstated in 1959, with Amendments Through 2002
 44. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR 1966).
 45. Law No. 23/2002 on Children Protection, Indonesia
 46. Law No. 26/2000 on Human Rights Courts, Indonesia
 47. Malaysia's Constitution of 1957 with Amendments Through 2007.
 48. Morocco's Constitution of 2011.
 49. New Criminal Code Passed by Parliament; Available at: <https://www.loc.gov/item/global-legal-monitor/2022-12-11/indonesia-new-criminal-code-passed-by-parliament/>
 50. Nigeria's Constitution of 1999 with Amendments Through 2011.
 51. The Death Penalty in the Middle East and North Africa, European Parliament, 04 December 2012.
 52. The Universal Declaration of Human Rights (1948).
- Websites**
53. www.coe.int/en/web/portal/azerbaijan
 54. www.mahkamahkonstitusi.go.id
 55. www.makarem.ir
 56. www.noorihamedani.ir
 57. www.pjd.ma/media/47256.html